



بیانات در دیدار فرماندهان ارشد نظامی و انتظامی - 22 / فروردین / 1389

بسم الله الرحمن الرحيم

تبریک عرض میکنیم عید نوروز و فرا رسیدن بهار را - که فصل طراوت و شادابی و تجدید حیات است - به همه‌ی شما برادران عزیز، که بارهای سنگینی را بر دوش دارید و ما تلاشها و زحمات و کوشش وسیع شما را در بخشهای مختلف و مربوط به خودتان شاهد هستیم. ان شاء الله خداوند این زحمات را از همه‌ی شماها قبول کند و توفیق بدهد که بتوانید - همان طور که امسال به ملت ایران عرض کردیم - با همت مضاعف و چند برابر و همچنین کار مضاعف و تلاش مضاعف و چند برابر، ان شاء الله میدانهای وسیع دیگری را پیش بروید، فتح کنید و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را واقعاً به آن نقطه‌ای برسانید که شایسته‌ی این نظام و شایسته‌ی عناصر مؤمن و صادق و خدمتگزاری مثل شماهاست.

واقعاً یکی از نعمتهای بزرگ خداوند در این دوران برای نیروهای مسلح، وجود مسئولان صادق و صمیمی است؛ این را انسان واقعاً بایستی نعمت بزرگی بداند و آن را شکر بگوید. این پدیده‌ای که در نظام جمهوری اسلامی خودش را نشان داد و در دوران دفاع مقدس تجلی و تبلور پیدا کرد، یعنی پدیده‌ی «خود را فرع هدف دانستن، نه اینکه هدف را وابسته و تابع خود کردن»، پدیده‌ی بسیار مهمی است؛ حقیقتاً جای سپاسگزاری دارد. نه اینکه ما آدمهای ناخالص و شائبه‌دار در طول این دورانها نداشتیم و نداریم؛ چرا، بالاخره همه جور روحیه‌ای، خلقی در همه‌ی قشرها و همه‌ی طبقات و همه‌ی افراد وجود دارد؛ لیکن نگاه غالب، این است. من وقتی به فرماندهان عزیزمان - که شماها باشید - نگاه میکنم، واقعاً خدای متعال را شکر میکنم که به این ملت تفضل کرده و چنین عناصر مؤمن و بااخلاصی را بر این کارهای بزرگ گماشته.

خوب، خود شما آقایان هم که مورد سپاس هستید، نعمت خدا برای ما هستید، باید خدا را شکر کنید که این توفیق را، این فرصت را در اختیار شما گذاشته که این کارهای مهم را انجام دهید. همه‌ی ماها - هم من، هم شماها هر کدامتان تک تک - میتوانستیم یک آدمی باشیم در امر زندگی شخصی خودمان فعال؛ یک تاجر خوب، یک روحانی خوب، یک دانشگاهی خوب؛ تلاشهایی بکنیم برای خودمان، شخص خودمان، وزری هم پیش خدای متعال نداشته باشیم؛ چون این کاری که ماها میکنیم، تویش امکان وزر و وبال هم خیلی زیاد است؛ شانه‌ها زیر قوه‌ی سنگین قرار دارد؛ میتوانستیم اینجوری نباشیم، یک زندگی معمولی داشته باشیم؛ اما طبعاً این نقش‌آفرینی را که امروز شما در کشور و نظامتان دارید، آن را هم نداشته باشید. پس این شکر دارد که شما در جایی قرار گرفته‌اید که میتوانید نقش‌آفرین باشید. حضور شما، اراده‌ی شما، معرفت شما، درجه‌ی اخلاص شما میتواند در سرنوشت کشور، در تاریخ کشور، در آینده‌ی این ملت، نه آینده‌ی ده سال و بیست سال، آینده‌ی صد سال و دویست سال برای این کشور اثر بگذارد؛ که اگر این اثر یک اثر نیکی بود، آن وقت این صدقه‌ی جاریه، برتر از همه چیز است و هیچ چیز با آن معادل نیست. شما بتوانید یک خطی را ترسیم کنید، یک کاری را انجام دهید که تا سالهای متمادی بر اساس آن کار، یک ملت سعادت داشته باشند، از دین و دنیا برخوردار باشند، این چیزی نیست که هیچ عبادتی، هیچ نماز شبی، هیچ خدمت متوسط و معمولی متعارفی به خلق الله با این معادله کند؛ خیلی چیز بالائی است. این فرصت را خدا به من و شما داده است؛ پس باید شکرگزاری کنیم. منتها مثل همه‌ی کارهای بزرگ، همچنان که غنیمت آن زیاد است، غرامت آن هم سنگین و خطرناک است؛ «من له الغنم فعلیه الغرم»؛ با هم مبادل است؛ مثل ارتفاع بالا در حرکت کوهنوردی است. اگر انسان از آنجا پرتاب شود، خطرش خیلی بیشتر از این است که مثلاً از یک متری و دو متری زمین پرتاب شود. اما خوب، آنجا نقطه‌ی عالی است؛ نقطه‌ی بالاست. هرچه جایگاه بالاتر، خطرها هم بیشتر.



راه بستن این خطرها هم ملاحظه‌ی تکلیف و مبارزه‌ی با هوای نفس است. اینجور نیست که انسان را در يك مجموعه‌ی ابهام قرار داده باشند که ندانیم پس چه کار کنیم؛ نه، با هوای نفس مخالف شرع و مخالف دین مبارزه و معارضه کردن و وظیفه و تکلیف و واجب را دائماً مورد ملاحظه قرار دادن. اگر این خط را بروید - که البته خط آسانی نیست، مشکل است - معلوم است که چه کار باید کرد. لذا به نظر من از جمله‌ی کارهایی که امثال ما و شما باید داشته باشیم، این است که از خدای متعال بخواهیم و بگوئیم: پروردگارا! این نعمتی را که به ما دادی - یعنی فرصت حضور در يك جایگاه مؤثر، در سرنوشت کشور و ملت - به نعمت تبدیل مفرما؛ این را که موجب اجر است، موجب وزر قرار نده. خوب، این بسته به تلاش خود ماست. از خدا کمک بخواهیم، همت کنیم، تلاش کنیم؛ خواهد شد.

نیروهای مسلح - همچنان که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) هست - حصارند؛ حصن و حصار برکشیده‌ی در پیرامون يك ملت و يك کشورند. حصار همیشه بایستی پایرجا باشد، حصار باید رخنه پیدا نکند؛ لذا نیروهای مسلح همیشه بایستی استواری خودشان را حفظ کنند. در داخل حصار، حوادث و شرایط گوناگونی پیش می‌آید؛ يك عده خوابند، يك عده بیدارند، يك عده دعوا میکنند، يك عده مشغول عروسی‌اند، يك عده مشغول عزایند؛ اما این حصار باید در همه‌ی این احوالات مستحکم باقی بماند. با این چشم به نیروهای مسلح نگاه کنید. این استحکام باید دائم باقی باشد. اگر این استحکام بود، اگر نگهبانانی که بر روی حصار دارند نگهبانی میدهند، دائم هشیار بودند، مراقب بودند، حرکات دشمن را رصد کردند، از هیچ نقطه‌ای غافل نشدند، امنیت داخل حصار محفوظ خواهد بود؛ در سایه‌ی آن امنیت، مردم به دین و دنیا میتوانند برسند؛ که اگر امنیت نبود، نمیتوانند. پس پرداختن به استحکام نیروهای مسلح، يك اصل دینی غیرقابل اغماض است. همه بایستی مراقب باشند، خود نیروهای مسلح هم باید مراقب باشند، دولتها هم باید حواسشان باشد، مردم هم باید حمایت کنند؛ این حصار بایستی مستحکم باشد. در همه‌ی احوال، هر اتفاقی در داخل رخ میدهد، حصار نیروهای مسلح باید محفوظ باشد. خوب، این تشبیه معقول به محسوس است. حصار در هر جا يك معنائی دارد. شما حصارید؛ ارتش يك جور حصار است، سپاه يك جور حصار است، بسیج يك جور حصار است، نیروی انتظامی يك جور حصار است، حفاظت اطلاعات يك جور حصار است؛ هر کدام در آن وظیفه‌های تعیین شده و تعریف شده‌ی خودشان بایستی آن جنبه‌ی حصار بودن خودشان و لزوم استحکام این حصار را مراعات کنند و نگه بدارند.

دنیا هم دنیای زورگوئی است؛ دنیای ظلم است؛ دنیای خوبی نیست؛ دنیای بدی است؛ دنیای جاهلیت است؛ دنیای غلبه‌ی شهوترانها و زورگوها بر اکثر مردم جهان است. در يك چنین دنیائی خیلی باید مراقب بود، خیلی باید هوشیارانه عمل کرد، مدبرانه عمل کرد، شجاعانه عمل کرد. می‌بینید رفتار این سران دنیا را؛ برای اطماع خودشان، برای حرص خودشان، برای پشتیبانی و حمایت از کمپانی‌های مورد تأیید خودشان، برای پر کردن جیبهای کمپانی‌داران و سرمایه‌داران بزرگ، می‌بینید چه فجایعی در دنیا دارد اتفاق می‌افتد؛ البته زیر نام نیک شعارهای توخالی و دروغین. جنگ طلبند، اسم صلح را می‌آورند و زیر تابلوی صلح می‌ایستند؛ برای انسانها و بشر هیچ حق و اعتباری قائل نیستند، زیر تابلوی حقوق بشر قرار میگیرند؛ اهل تجاوزند، تجاوز جزو سیاستهای اصلی کارهایشان است، ادعای مقابله با تجاوز میکنند؛ در سیاستهای خودشان، در رفتارهای خودشان، از همه‌ی شیوه‌های کثیف استفاده میکنند و بهره میگیرند؛ از ترور استفاده میکنند، سازمانهای تروریست به وجود می‌آورند، شرکتهای تروریست استخدام میکنند - که اینها چیزهای واضح امروز دنیاست - در عراق شما نمونه‌اش را ملاحظه میکنید، در افغانستان نمونه‌اش را ملاحظه میکنید؛ در آنجاهائی که کودتا راه انداخته‌اند، می‌بینید؛ تجاوزی که به کشورها شده، اینها را می‌بینید؛ در عین حال يك ظاهر آرام، اتو کشیده، ادکلن زده، با الفاظ مناسب، می‌آید در مقابل چشم مردم ظاهر میشود، به عنوان رئیس جمهور فلان کشور یا فلان کشور؛ با افکار عمومی مردم بازی میکنند، فریب میدهند؛ اصلاً



مبنای کار بر فریبکاری است. دنیا يك چنین دنیائی است؛ دنیای مبتنی بر دروغ، بر فریب، بر ظلم و زور نقابدار؛ اگرچه حالا گاهی هم نقابها برطرف میشود. گاهی اوقات غرور و اعتماد به پایه‌های پوشالی قدرتی که در اختیارشان هست، اختیار را از دستشان خارج میکند. دیدید دیگر؛ همین چند روز قبل از این، رئیس جمهور آمریکا تلویحاً تهدید به استفاده‌ی از سلاح اتمی کرد! این خیلی حرف عجیبی است؛ از این حرف اصلاً دنیا نباید بگذرد. در قرن بیست و یکم، قرن این همه دعوی صلح و حقوق بشر و تشکیلات جهانی و سازمانها و مبارزه‌ی با تروریسم و اینها، رئیس يك کشور بیاید آنجا بایستند و تهدید به حمله‌ی اتمی کند! این خیلی حرف عجیبی است در دنیا. این به ضرر خودشان هم هست، نمیفهمند. معنای صریحش این است که دولت آمریکا يك دولت شریر و غیرقابل اعتماد است. اینها چند سال است دارند تلاش میکنند تا در قضیه‌ی هسته‌ای ما اثبات کنند جمهوری اسلامی غیرقابل اعتماد است؛ در حالی که جمهوری اسلامی در این سی سال، نه به هیچ کشوری حمله کرده، نه هیچ جا را ابتدائاً مورد تهاجم قرار داده، نه تروریست‌پروری کرده. آنها میخواهند بگویند جمهوری اسلامی غیرقابل اعتماد است. خوب، در دنیا غیر قابل اعتماد کیست؟ آنهایی که هم بمب اتم دارند، هم حیا نمیکند که بگویند ما ممکن است از این بمب اتم استفاده بکنیم یا استفاده خواهیم کرد. این خیلی حرف عجیبی است، این رسواکننده‌ی اینهاست. در این دنیا خیلی باید هوشیار بود. البته مقابله‌ی با این ظلم و زور و با نقاب و بی‌نقاب و همه جورش، صرفاً منحصر نیست در آمادگی‌های نظامی؛ مهمتر از آمادگی‌های نظامی، آمادگی‌های معنوی است؛ آمادگی‌های روحی است؛ قدرت عزم يك ملت است؛ توان ایستادگی يك ملتی است که بتواند در مقابل این تندبادهای بایستد. تندباد می‌آید و می‌گذرد؛ هرچه قدرت هم داشته باشد، می‌آید و می‌گذرد؛ مهم این است که بتوان یا نتوان در مقابل این تندباد ایستاد. مشکل بناهایی که فرو میریزد، این است که نمیتوانند خودشان را نگه دارند؛ والا تندباد که دائمی نیست. اگر يك ملتی زنان خود را محکم کرد، قدرت ایستادگی به خودش داد، ثبات قدم خودش را تقویت کرد، از این تندبادهای و این طوفانها کاری بر نمی‌آید؛ می‌آیند و می‌روند؛ آنها می‌روند، این ملت میماند. استحکام يك نظام به این چیزهاست: به ایمان، به قدرت و توانائی ایستادگی، به عزم راسخ، به فریب نخوردن از الفاظ چرب و نرم تعارف‌آمیزی که در يك مواردی خیلی راحت در بسیاری از بده و بستان‌های سیاسی مبادله میشود؛ در حالی که در پشت این الفاظ نرم، چهره‌ی خشن و غضب‌آلود آن کسانی قرار دارد که نیت‌های سوء دارند. نمونه‌هایش الی ماشاءالله در زمان خودمان، در همین چند ده سال بارها اتفاق افتاده؛ نسبت به دیگران، نسبت به کشورهای مختلف، نسبت به خود ما؛ موارد زیادی دیدیم. هوشمند بودن، فریب نخوردن، اعتماد به نفس داشتن، اعتماد به خدای متعال داشتن، قدرت ایستادگی را در خود تقویت کردن، باور داشتن به اینکه میتوان قدرتمند بود و ایستادگی کرد؛ اینهاست که يك ملت را نگه میدارد. خوشبختانه زمینه‌ی همه‌ی اینها برای ما فراهم است. سی سال است که طوفانهای گوناگون آمده و رفته، این ملت محکم ایستاده، این انقلاب پایدارتر شده. امروز ما خیلی قوی‌تر از ده سال پیش و بیست سال پیش و سی سال پیش هستیم. توانائی ما در همه‌ی زمینه‌ها امروز خیلی بیشتر است؛ در مقابله‌ی با انواع دشمنی‌ها این را نشان دادیم، ملتمان به فضل الهی و توفیق الهی این را نشان میدهد. پس توانائی اصلی این است. اما همان طور که عرض کردیم، این حصار را هم نباید بگذاریم رخنه‌ای ببیند. بله، در داخل این حصار، این مردم محکم ایستاده‌اند، اما حصار - یعنی نیروهای مسلح - را باید محکم نگه داشت. اولاً نیروهای مسلح تهدید را جدی بگیرند؛ بارها من این را گفتم. شما در محاسبات خودتان، مثل محاسبات سیاسی نمیتوانید عمل کنید. محاسب سیاسی مثلاً میگوید امکان حمله‌ی دشمن کم است؛ بیست درصد است، سی درصد است؛ شما باید بگوئید امکان حمله‌ی دشمن صددرصد است. آمادگی را با این مبنا در همه‌ی بخشها بایستی برای خودتان فراهم کنید. بایستی دائماً بهوش بود.



به نظر من مسئله‌ی طرح‌های ابتکاری را هم خیلی باید جدی گرفت. خوشبختانه در نیروهای مسلح این هست. مثل يك توده‌ی استعداد، که يك بخشی از این استعداد، يك لایه‌ی روئین این استعداد در معرض استفاده قرار گرفته ؛ اعماق این توده‌ی استعداد هنوز همچنان باز نشده ؛ ملت ما اینجوری بود. واقعاً آدم احساس میکند و می‌بیند که در اول انقلاب، در بخش‌های مختلف، از این توده‌ی ظرفیت فکری و استعداد فکری و کسب مهارت‌ها در بخش‌های گوناگون، يك مقدار کمی استفاده میشد. انقلاب موجب شد يك تحرکی به وجود بیاید ؛ در بخش‌های علمی، در بخش‌های فناوری، در بخش‌های سازندگی، در بخش‌های فرهنگی، سیاسی و غیره ؛ استعدادها شکوفا شد، گل کرد. یعنی از این مجموعه‌ی توده‌ی فشرده و متراکم به انبوه، لایه‌های دیگری هم همین طور هی باز شد. این تجربه به ما نشان میدهد که ظرفیت‌های ما خیلی بالاست.

بروید دنبال کارهای ابتکاری، بروید دنبال کارهایی که دنیا آنها را نیازموده و تجربه نکرده ؛ در طراحی‌های عملیاتی، در طراحی‌های اطلاعاتی، در نوع برخورد با دشمن ؛ فریب يك جور، تدبیر يك جور ؛ اینها کارهای مهمی است. بخصوص من روی نوع سازماندهی نیروهای مسلح تأکید میکنم. خوشبختانه هم سپاه و هم ارتش در این صراط قدم برداشته‌اند، دارند فکر میکنند و کار میکنند. نوآوری در سازماندهی سنتی تا حالا وجود داشته - در سپاه جوری، در ارتش جوری - بروید دنبال کارهای ابتکاری. البته هر کار جدیدی مطلوب نیست. کار جدیدی که با ملاحظه‌ی کامل، دقت و آزمون همراه باشد، مطلوب است. دنبال کارهای ابتکاری بروید ؛ همچنان که تا حالا هم در بخش‌های مختلف نیروهای مسلح همین بوده ؛ جهاد خودکفائی ارتش يك نمونه‌اش است، که از سی سال پیش چه کارهای بزرگی را انجام دادند. در سپاه، فعالیت‌های متعدد و فراوان در این زمینه‌ها وجود داشته. الحمدلله دستمان از تجربه‌های امیدبخش و امیدآفرین خالی نیست. آدم می‌بیند کارهای بزرگی را میشود انجام داد. اینها عرائض ماست. ان‌شاءالله همه‌ی این چیزهایی که گفتیم و یا نگفتیم و جزو آرزوهای ماست، در برنامه‌های شما، در کارهای شما تحقق و تبلور پیدا کند و خودش را نشان دهد. خوب، همه‌ی اینها يك روح هم دارد که آن روح عبارت از معنویت و بصیرت دینی و تعمیق اعتقادات دینی و باورهای دینی است که در کار برادران خوب و فعال و زحمتکش ما در عقیدتی - سیاسی‌ها به يك نحو، در نمایندگی‌های ولی‌فقیه در سپاه و جاهای دیگر به يك نحو، خودش را نشان میدهد. این برادران هم بایستی همین مسئله‌ی اولویت‌ها و همین ابتکارها و همین راه‌های نو و همین همت مضاعف را به کار ببرند تا ان‌شاءالله روزی‌روز ما بیشتر با ظواهر دینی و عمق عملی و اعتقادی در نیروهای مسلح همراه باشیم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته